

## رابطه استدلال‌های اجتماع‌یار اخلاقی و رفتارهای اجتماع‌یار در دانشجویان

علی رضا عظیم‌پور<sup>۱</sup>

استادیار روان‌شناسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون

ناهید اردکانی

کارشناس روان‌شناسی دانشگاه سلمان فارسی

مریم ارشدی

کارشناس روان‌شناسی دانشگاه سلمان فارسی

حسین مردانی

کارشناس روان‌شناسی دانشگاه سلمان فارسی

### چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه استدلال‌های اجتماع‌یار اخلاقی و رفتارهای مختلف اجتماع‌یار همراه با تفکیک اثر مقبول‌نمایی اجتماعی از این روابط بود. ۱۲۸ دانشجوی کارشناسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون مقیاس‌های گرایش‌های اجتماع‌یار (کارلو و رندال، ۱۹۹۲)، نسخه بزرگ سالان مقیاس عینی استدلال اخلاقی اجتماع‌یار (کارلو، ایزنبرگ و نایت، ۲۰۰۲) و مقیاس مقبول‌نمایی اجتماعی مارلو و کران (کران و مارلو، ۱۹۶۰) را تکمیل کردند. اثر مقبول‌نمایی اجتماعی و پاسخ‌دهی دروغ/نامربوط از روابط با استفاده از ضریب همبستگی تفکیکی، تفکیک شد. روابط استدلال اجتماع‌یار، انواع مختلف استدلال‌های اجتماع‌یار و رفتارهای مختلف اجتماع‌یار، ناهمسانی‌های اندکی را با تحقیقات گذشته نشان می‌دهد؛ اما غالب روابط تأییدکننده تحقیقات گذشته بود. تحقیق حاضر مؤید این یافته در تحقیقات گذشته بود که

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول

آدرس پست الکترونیکی: [a.azimpour@kazerunfsu.ac.ir](mailto:a.azimpour@kazerunfsu.ac.ir)

آدرس پستی: ایران، شیراز، کازرون، دانشگاه سلمان فارسی کازرون، بخش روان‌شناسی، کد پستی؛ ۷۳۱۹۶-۷۳۵۴۴

وصول: ۱۳۹۴/۰۴/۰۹ - پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۵

رفتارهای متفاوت اخلاقی (اجتماع‌بار) به گونه‌ای متفاوت یا استدلال‌های اخلاقی (اجتماع‌بار) در ارتباط هستند.

**واژه‌های کلیدی:** استدلال اجتماع‌بار اخلاقی، رفتار اجتماع‌بار، مقبول‌نمایی اجتماعی

## The relationship between prosocial moral reasoning and prosocial behavior among university students

Azimpour, A., Ardakany, N., Arshadi, M., & Mardani, H

(Received; 30 June, 2015-Accepted; 15 Jan, 2016)

### Abstract

The aim of the present study was to investigate the relationships between prosocial moral reasoning and several prosocial behaviors, with controlling the effects of social desirability and lie/irrelative responding. One hundred twenty eight undergraduate students from Salman Farsi university of Kazerun responded to the Measure of Prosocial Moral Reasoning (Carlo, Eizenberg and Knight, 1992), Prosocial Tendencies Measure (Carlo and Randall, 2002) and Marlowe-Crowne social desirability scale (Crowne and Marlowe, 1960)). The effects of social desirability and lie/irrelative responding were controlled by the method of partial correlation. The relationships of total score of prosocial moral reasoning, the 5 types of prosocial moral reasoning, and also the 6 types of prosocial behaviors generally confirmed the findings of previous studies; although there were some discrepancies to them. Present investigation was a confirmation of past findings suggesting that different moral (prosocial) behaviors were differently related to moral (prosocial) reasoning.

**Keywords:** prosocial moral reasoning, prosocial behavior, social desirability

### مقدمه

ماهیت رفتارهای اجتماع‌بار<sup>۱</sup> یا کمک‌رسان و چگونگی پرورش و گسترش آن‌ها در فرد و اجتماع، از موضوعاتی است که ذهن پژوهشگران و متفکران بسیاری از رشته‌های مختلف



را به خود معطوف کرده است. روان‌شناسی اخلاق<sup>۱</sup> به عنوان کوششی برای فهم علمی اخلاقیات<sup>۲</sup> در انسان، به شدت تحت تأثیر نگاه رشدنگر شناختی<sup>۳</sup> کلبرگ<sup>۴</sup> قرار داشته است (آرنولد، ۲۰۰۰)؛ نگاهی که استدلال‌های اخلاقی را به عنوان متغیر اصلی اخلاقیات مطالعه می‌کند (هابنر، دیوئر وهاوسر، ۲۰۰۸). امروزه برخی روان‌شناسان اخلاق پارادایم‌های دیگری را با محوریت متغیرهایی به جز استدلال، هم‌چون شناخت‌های شهودی<sup>۵</sup> (هیت، ۲۰۰۰ و سانستین، ۲۰۰۵)، هیجان‌ات اخلاقی<sup>۶</sup> (لفل و میخایل، مالری و میخایل، ۲۰۰۸)، هویت اخلاقی<sup>۷</sup> (هاردی و کارلو، ۲۰۰۵) و یادگیری رفتارهای اخلاقی (باندورا، ۱۹۹۱) مطرح می‌کنند. با این همه، رویکرد رشدنگر شناختی هم‌چنان در روان‌شناسی اخلاق جایگاه خاص خود را دارد و می‌کوشد با شناخت رشد یافتگی استدلال‌ها، تفاوت‌های اخلاقی انسان‌ها را توضیح دهد (گینز، باسینگر، گریم، اسنری، ۲۰۰۷).

یکی از انتقادات به نظریه کلبرگ نگاه مردانه یا نگاه عدالت‌محور<sup>۸</sup> کلبرگ به استدلال‌های اخلاقی است. نتایج تحقیقات مبتنی بر این نوع نگاه به استدلال اخلاقی مدعی پایین‌بودن استدلال‌های اخلاقی زنان بود. گیلیگان<sup>۹</sup> ضمن اعتراض به نتایج این تحقیقات، با بررسی استدلال زنان درباره سقط جنین نشان داد که محتوای استدلال‌های اخلاقی زنان بیش‌تر مبتنی بر مراقبت<sup>۱۰</sup> است و نه عدالت<sup>۱۱</sup>؛ حال آن‌که در روش‌شناسی کلبرگ استدلال‌های مبتنی بر عدالت سنجیده شده است (کرین<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۸/۱۳۸۴).

1. moral psychology
2. ethics
3. cognitive developmental
4. Kohlberg
5. intuitive cognitions
6. moral emotions
7. moral identity
8. justice oriented
9. Gilligan
10. caring
11. justice
12. Crain

بر اساس رویکرد مراقبت‌محور، گیلیگان و ایزنبرگ<sup>۱</sup> (۱۹۸۷)؛ به نقل از کارلو، مستر، سمپر، تور و آرمتا، (۱۹۹۲) به بررسی استدلال‌های کودکان، نوجوانان و بزرگ‌سالان مؤنث و مذکر پرداختند و آن را استدلال‌های اجتماع‌بار اخلاقی<sup>۲</sup> نام نهادند. پایین‌ترین سطح استدلال‌ها که در کودکان نمایان می‌شود، استدلال‌های لذت‌جویانه<sup>۳</sup> است که می‌تواند مبتنی بر لذت و منفعت عامل عمل یا مبتنی بر تقابل مستقیم<sup>۴</sup> باشد. استدلال اجتماع‌بار اخلاقی نیازمحور<sup>۵</sup> پس از این مرحله بارز می‌شود که استدلال معطوف به نیازهای اساسی جسمانی و روان‌شناختی فرد دیگر است. به عبارت دیگر در این استدلال، این که دیگری واقعاً به کمک نیاز دارد یا نه، مورد بحث واقع می‌شود. سپس استدلال‌های تأییدمحور<sup>۶</sup> نمایان می‌شود که مبتنی بر تأیید و پذیرش دیگران در باب درستی رفتار و خوبی فاعل رفتار است (ایزنبرگ، کارلو، مورفی و ون کورت، ۱۹۹۵). استدلال اخلاقی قالبی یا استدلال بر اساس تصویر قالبی<sup>۷</sup> خوب و بد در افراد نیز استدلال غالب مرحله بعد است (ایزنبرگ، گوذری، مورفی، و شپارد، ۲۰۰۵).

اما در بالاترین مرحله رشدی، استدلال‌ها به اشکال متفاوتی بارز می‌شوند؛ یکی از انواع این استدلال‌ها، استدلال مبتنی بر نشان دادن هم‌دردی با دیگران و دغدغه مراقبت از دیگران را داشتن است. دیگری استدلال معطوف به درونی کردن عاطفه مثبت ناشی از پیامد عمل است (یعنی احساس خوبی که از دستاورد کمک رسانی حاصل می‌شود). سومین حالت استدلال مبتنی بر درونی کردن عاطفه منفی ناشی از پیامد کمک‌نکردن است (مثلاً اگر کمک نکنم، او رنج می‌کشد). چهارمین حالت، استدلال مبتنی بر تقابل تعمیم‌یافته<sup>۸</sup> است؛ به این معنا که «من به دیگر انسان‌ها کمک می‌کنم؛ همان‌گونه که توقع

1. Eisenberg
2. Prosocial moral reasoning
3. hedonistic
4. direct reciprocity
5. need-oriented
6. approval – oriented
7. stereotypic
8. generalized reciprocity

دارم انسان‌های دیگر نیز به من کمک کنند». البته این سنخ استدلال را باید با تقابل مستقیم که گونه‌ای استدلال لذت‌جویانه است متمایز کرد؛ چرا که در تقابل مستقیم عامل عمل به فردی خاص کمک می‌کند و منتظر و متوقع است تا آن فرد خاص نیز به وی کمک کند؛ اما در تقابل تعمیم‌یافته توقع کلی از انسانیت و انسان‌ها مطرح است. بالأخره پنجمین حالت مبتنی بر ارزش‌های درونی‌شده یا درونی‌سازی مسئولیت و وظیفه یا نیاز به حمایت از قوانین، هنجارها یا ارزش‌های پذیرفته‌شده است. مثلاً فرد احساس می‌کند که موظف است و باید به دیگر انسان‌ها کمک کند (ایزنگرگ و هم‌کاران، ۲۰۰۵).

یکی دیگر از انتقادات مطرح‌شده برای نظریه و مطالعات کلبرگ، این بود که استدلال اخلاقی همواره به رفتار اخلاقی<sup>۱</sup> (یا اجتماع‌یار) منتهی نمی‌شود (کرین، ۲۰۰۲/۱۳۸۴). کلبرگ این مسأله را می‌پذیرفت و آن را ناشی از بازگشت‌پذیربودن استدلال‌های اخلاقی می‌دانست. با این حال او نشان داد که بین استدلال اخلاقی و رفتار اخلاقی تا حدودی رابطه وجود دارد (کریمی، ۱۳۸۵). مثلاً در تحقیقی، کلبرگ (۱۹۶۷) به نقل از کریمی، (۱۳۸۵) نشان داد که بزهکاران در مقایسه با افراد غیربزهکاری که از لحاظ هوشی و سنی با آن‌ها هم‌تا شده بودند، استدلال‌های سطح پایین‌تری داشتند. برخی تحقیقات به بررسی استدلال اخلاقی افرادی پرداختند که در موقعیت‌های واقعی رفتار اخلاقی خاصی داشته‌اند. در بسیاری از این تحقیقات بین این افراد و افراد معمولی تفاوتی از لحاظ استدلال اخلاقی یافته نشد (نانر-وینکلر، ۲۰۰۷). با این همه، تحقیقات بسیاری نیز بوده‌اند که از ارتباط رفتار اخلاقی و استدلال‌های اخلاقی حمایت کرده‌اند. حتی برخی تحقیقات (مثل مک‌لین، والکر، ماتسوبا، ۲۰۰۴) در کنار بررسی چندین متغیر تنها استدلال اخلاقی را به عنوان پیش‌بین رفتار اخلاقی تأیید کرده‌اند.

در کل مطالعاتی که تلاش کرده‌اند، استدلال‌های اخلاقی کلبرگ و پیازه<sup>۲</sup> را به رفتار اخلاقی مرتبط سازند، ضریب همبستگی مثبت، اما متغیری را پیدا کرده‌اند که از

1. moral behavior  
2. Piaget

ضریب همبستگی بالا (مثل بلاسی<sup>۱</sup>، ۱۹۸۰؛ گیبز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶؛ استامز<sup>۳</sup> و هم کاران، ۲۰۰۶؛ نقل از سالین و مارکوینس، ۲۰۰۸) تا ضرایب همبستگی ضعیف و متوسط (مثل گیبز و هم کاران، ۱۹۸۶؛ کربز<sup>۴</sup> و دنتون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵؛ نقل از سالین و مارکویتس، ۲۰۰۸) گسترش یافته است. کلبرگ و سندی<sup>۶</sup> (۱۹۸۴؛ نقل از سالین و مارکویتس، ۲۰۰۸) با مروری بر پژوهش‌ها نشان می‌دهند که هر دو سنخ استدلال اخلاقی (مراقبت‌محور و عدالت‌محور) با عمل اخلاقی مرتبطند؛ اما میزان آن‌ها با سنجش اثر برخی متغیرهای دیگر به عنوان میانجی کم‌تر می‌شود.

برخی گونه‌گونی یافته‌های پژوهشی درباره ارتباط استدلال‌های اخلاقی و رفتار اخلاقی یا اجتماع‌بار را به گونه‌گونی رفتارهای اخلاقی نسبت داده‌اند. در واقع، رفتارهای اخلاقی و اجتماع‌بار رفتارهایی گونه‌گون هستند و از موقعیتی به موقعیتی دیگر می‌تواند با انگیزه‌ها و دلایل متفاوت بروز کنند (کارلو و رندال، ۱۹۹۱). کارلو و رندال (۱۹۹۱) از طریق بررسی ادبیات پژوهشی، بررسی‌های رشدنگر ایزنبرگ بر رفتار اخلاقی (ایزنبرگ، گوذری، مورفی، شپارد، کومبرلند و کارلو، ۱۹۹۹) و روش تحلیل عاملی، شش رفتار اجتماع‌بار را از هم متمایز کردند؛ رفتار اجتماع‌بار در معرض دید<sup>۷</sup> (کمک‌رسانی در حضور مشاهده‌گران)، رفتار اجتماع‌بار مطیعانه<sup>۸</sup> (کمک‌رسانی در پاسخ به درخواست کلامی یا غیرکلامی دیگران)، رفتار اجتماع‌بار هیجانی<sup>۹</sup> (کمک‌رسانی در موقعیت‌های برانگیزاننده و عاطفی)، رفتار اجتماع‌بار بحرانی<sup>۱۰</sup> (کمک‌رسانی در موقعیت‌های اورژانسی

1. Blasi
2. Gibbs
3. Stams
4. Krebs
5. Denton
6. Candee
7. public prosocial behavior
9. compliant prosocial behavior
9. emotional prosocial behavior
10. dire prosocial behavior



و مهلک)، رفتار اجتماع‌یار گمنام<sup>۱</sup> (کمک‌رسانی بدون این که کمک‌شونده بتواند کمک‌کننده را شناسایی کند)، و بالأخره نوع دوستی<sup>۲</sup> یا رفتار اجتماع‌یار نوع‌دوستانه (کمک‌رسانی بدون هیچ انگیزه سود فردی و حتی گاه واجد برخی زیان‌های شخصی) (کارلو و رندال، ۱۹۹۱).

در برخی مطالعات مشخص شده که هر یک از این رفتارهای متفاوت اجتماع‌یار همبسته‌های شخصیتی و اجتماعی-شناختی متفاوت خاص خود را دارند (کارلو، هاوسمن، کریستین و رندال، ۲۰۰۳). درباره رابطه این رفتارها و استدلال اجتماع‌یار اخلاقی، هاردی (۲۰۰۶) در تحقیقی بر دانشجویان نشان داد که استدلال اخلاقی اجتماع‌یار با رفتار نوع‌دوستانه در ارتباط مثبت، رفتار در معرض دید و مطیعانه با استدلال اجتماع‌یار دارای رابطه منفی و رفتار اجتماع‌یار بحرانی هیجانی و گمنام فاقد رابطه معنادار با استدلال اخلاقی اجتماع‌یار بودند. دکارولی، فلانگا و ساگون<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) در بررسی ۵۴۸ نوجوان و جوان ایتالیایی نشان دادند که رفتارهای اجتماع‌یار هیجانی و بحرانی با کلیت استدلال اجتماع‌یار رابطه‌ای مثبت داشتند. رفتار در معرض دید دارای رابطه مثبت با استدلال تأییدمحور و نیازمحور بود؛ اما با کلیت رشد استدلال‌های اجتماع‌یار و به‌خصوص با استدلال درونی‌شده رابطه‌ای منفی داشت.

عظیم‌پور، نیسی، ارشدی، شهنی ییلاق و بشلیده (۱۳۹۱) در تحقیق خود درباره بیش از ۴۰۰ دانشجو روابط همبستگی متفاوتی را بین انواع متفاوت استدلال اجتماع‌یار اخلاقی و انواع رفتار اجتماع‌یار و هم‌چنین بین کلیت استدلال اجتماع‌یار و رفتارهای اجتماع‌یار گزارش کردند. این روابط تا حد زیادی با روابط همبستگی گزارش‌شده در تحقیقات خارجی هم‌خوان و در موارد اندکی با آن تحقیقات ناهم‌خوان بود؛ مثلاً برخلاف تحقیق هاردی (۲۰۰۶) در تحقیق عظیم‌پور و هم‌کاران (۱۳۹۱) استدلال‌های سطح بالاتر

1. anonymous prosocial behavior
2. altruism
3. De Caroli, Falanga & Sagone

اجتماع‌یار، علاوه بر رابطه مثبت با رفتار اجتماع‌یار نوع‌دوستانه با رفتارهای اجتماع‌یار هیجانی، گمنام و مطیعانه نیز دارای روابط مثبت بود.

در تحقیق کارلو و رندال (۲۰۰۲) استدلال لذت‌جویانه صرفاً با رفتار در معرض دید دارای رابطه مثبت و با رفتار هیجانی و نوع‌دوستانه دارای رابطه منفی بود؛ در حالی که در تحقیق عظیم‌پور و هم‌کاران (۱۳۹۱) علاوه بر موارد فوق این استدلال با رفتارهای مطیعانه و گمنام نیز دارای روابطی منفی بود. در تحقیق کارلو و رندال (۲۰۰۲) استدلال تأیید‌محور دارای رابطه مثبت با رفتار در معرض دید و رابطه منفی با رفتار نوع‌دوستانه بود؛ در حالی که در تحقیق عظیم‌پور و هم‌کاران (۱۳۹۱) این استدلال با رفتارهای بحرانی، هیجانی گمنام نیز دارای رابطه منفی بود. در تحقیق کارلو و رندال (۲۰۰۲) استدلال نیاز‌محور صرفاً با رفتار در معرض دید، دارای رابطه‌ای منفی بود؛ اما در تحقیق عظیم‌پور و هم‌کاران (۱۳۹۱) در کنار نبود این رابطه، روابط مثبتی با رفتارهای بحرانی، هیجانی و نوع‌دوستانه وجود داشت. در تحقیق کارلو و رندال (۲۰۰۲) استدلال قالبی صرفاً با رفتارهای هیجانی و نوع‌دوستانه دارای رابطه‌ای مثبت بود؛ اما در تحقیق عظیم‌پور و هم‌کاران (۱۳۹۱) در کنار این روابط، رابطه‌ای مثبت با رفتارهای مطیعانه و گمنام و رابطه‌ای منفی با رفتار در معرض دید مشاهده شد. در نهایت، در تحقیق کارلو و رندال (۲۰۰۲) استدلال درونی‌شده دارای رابطه‌ای مثبت با رفتارهای گمنام، نوع‌دوستانه، هیجانی و رابطه‌ای منفی با رفتار در معرض دید بود؛ حال آن‌که در تحقیق عظیم‌پور و هم‌کاران (۱۳۹۱) در کنار تأیید روابط با رفتارهای نوع‌دوستانه و گمنام و در معرض دید، رابطه‌ای با رفتار هیجانی رؤیت‌نشده و رابطه‌ای مثبت با رفتار مطیعانه هم دیده شد.

علاوه بر این درباره روابط خود انواع استدلال‌های اجتماع‌یار با هم و انواع رفتارهای اجتماع‌یار با هم نیز برخی ناهمخوانی‌ها دیده می‌شد (رجوع شود به کارلو و ایزنبرگ و نایت، ۱۹۹۲ و کارلو و رندال، ۲۰۰۲؛ کالدرون-تن، نایت و کارلو، ۲۰۱۱). به دلیل ناهمخوانی تنها پژوهش داخلی (عظیم‌پور و هم‌کاران، ۱۳۹۱) با پژوهش‌های یادشده خارجی درباره روابط همبستگی بین رفتارهای اجتماع‌یار و استدلال‌های اخلاقی اجتماع‌یار



تحقیق حاضر بر آن است با بررسی مجدد این روابط همبستگی در جامعه آماری دیگر (دانشجویان دانشگاه سلمان فارسی کازرون) آن را با تحقیقات گذشته مقایسه کرده، تکرارپذیری یافته‌های تحقیقات گذشته بررسی شود. علاوه بر این، در این پژوهش تلاش می‌شود تا با تفکیک آماری اثر مقبول‌نمایی اجتماعی و پاسخ‌دهی دروغ/ نامربوط یافته‌های واقعی تری به دست آید.

## روش

پژوهش حاضر دارای طرحی همبستگی است که در آن رابطه استدلال اجتماع‌یار اخلاقی و انواع آن با انواع مختلف رفتار اجتماع‌یار سنجیده می‌شود. کارلو و رندال (۲۰۰۲) رفتارهای اخلاقی را به شکل خودگزارش‌دهی بررسی کرده‌اند. در خودگزارش‌دهی همواره ممکن است تمایل افراد برای مقبول‌نشان دادن خود، با سازه‌هایی که پرسش‌نامه‌های خودگزارش‌دهی بررسی می‌کنند، تداخل پیدا کند. بر این اساس در بسیاری از تحقیقات سعی می‌شود تا تمایل به مقبول‌نمایی اجتماعی<sup>۱</sup> از روابط خودسنجی‌ها تفکیک شود (ورادی، داهورا و آهکیون و هم‌کاران، ۲۰۱۰). در تحقیق حاضر نیز بر این اساس در صورت وجود رابطه بین متغیرها و مقبول‌نمایی اجتماعی (و هم‌چنین زیر مقیاس پاسخ‌دهی دروغ/ نامربوط)، این سازه از مقیاس‌ها تفکیک خواهد شد.

**جامعه‌ی آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری:** جامعه آماری پژوهش حاضر همه دانشجویان کارشناسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون بود. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای<sup>۲</sup> بود؛ به این ترتیب که دانشجویان چهار رشته تحصیلی انتخاب شدند و به طور تصادفی برای هر رشته از دانشجویان یک پایه تحصیلی دوره کارشناسی استفاده شد. پس از حذف آزمون‌های ناکامل از ۱۲۸ پرسش‌نامه به دست آمده ۱۱۲ پرسش‌نامه کامل باقی ماند. از نمونه باقی‌مانده ۳۳ درصد مذکر و ۶۷ درصد مؤنث، با

1. social desirability
2. multi-stage random sampling

میانگین سنی ۲۰/۴۳ (انحراف معیار ۳/۸۲) بود. میانگین سن دختران ۲۰/۱۷ (انحراف معیار ۳/۸۲) و میانگین سن پسران ۲۰/۱۷ (انحراف معیار ۳/۸۴) بود.

### ابزار:

**الف. مقیاس گرایش‌های اجتماع‌بار<sup>۱</sup> (PTM):** این مقیاس نخستین بار توسط کارلو ورنдал (۲۰۰۲) بر دانشجویان و سپس نسخه بازنگری‌شده آن (PTM-R) آن توسط کارلو، هاوسمن، کریستینسن و رندال (۲۰۰۳) بر نوجوانان اعتباریابی شد. این مقیاس شامل ۲۳ ماده است که شش رفتار اجتماع‌بار در معرض دید، مطیعانه، عاطفی، بحرانی، گمنام و نوع‌دوستانه را می‌سنجد. پاسخ‌دهی در مقیاسی از یک (به هیچ وجه مرا توصیف نمی‌کند) تا پنج (خیلی زیاد مرا توصیف می‌کند) قرار دارد. پاسخ‌دهی به زیر مقیاس نوع‌دوستی به صورت وارونه انجام می‌شود. ساخت این مقیاس از طریق مطالعه ادبیات پژوهشی و مقیاس‌های گذشته صورت گرفته و تحلیل عامل اکتشافی و تأییدی ساختار عاملی آن را ایجاد و تأیید کرده است. بررسی اعتبار<sup>۲</sup> آن از طریق بازآزمایی و همسانی درونی، بررسی روایی<sup>۳</sup> آن از طریق روایی ملاکی، روایی واگرا و همگرا حاکی از رضایت‌بخش بودن مقیاس برای دانشجویان امریکایی حاصل شده است. اعتبار بازآزمایی در مطالعه کارلو و رندال (۲۰۰۲) بعد از دو هفته برای ملاک‌های در معرض دید، گمنام، بحرانی، هیجانی، مطیعانه، و دیگر دوستی به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۲، ۰/۷۵، ۰/۶۱، ۰/۸۰، ۰/۷۳، ۰/۶۰ گزارش شده است.

این آزمون توسط عظیم‌پور، نیسی، شهنی بیلاق و ارشدی (۲۰۱۲) به فارسی ترجمه و بر ۱۸۰ دانشجوی دانشگاه شهید چمران اهواز اعتباریابی شد. نتایج تحلیل عامل تأییدی در تحقیق عظیم‌پور و هم‌کاران (۲۰۱۲) روایی این مقیاس را در دانشجویان شهید چمران تأیید کرد. اعتبار این مقیاس نیز در تحقیق یادشده بر اساس روش همسانی درونی برای برای

1. Prosocial Tendencies Measure (PTM)
2. reliability
3. validity



زیرمقیاس‌های در معرض دید، گمنام، بحرانی، هیجانی، مطیعانه، و نوع‌دوستی به ترتیب عبارت بود از: ۰/۷۲، ۰/۸۶، ۰/۷۰، ۰/۶۹، ۰/۷۷، ۰/۵۹.

### ب. نسخه بزرگ‌سالان مقیاس عینی استدلال اخلاقی اجتماع‌یار (PROM-R)

این آزمون که توسط کارلو، ایزنبرگ و نایت (۱۹۹۲) در ابتدا برای نوجوانان و سپس با تغییراتی برای بزرگ‌سالان ساخته شد. این آزمون شامل هفت داستان اصلی و یک داستان نمونه است. هر داستان اصلی واجد تعارضی اخلاقی<sup>۲</sup> بوده و دارای چند دلیل (استدلال) است که می‌تواند قهرمان داستان را در حل تعارض یاری دهد. تعیین درجه اهمیت استدلال‌ها از سوی آزمودنی‌ها، رشدیافتگی استدلال‌های اخلاقی آن‌ها را مشخص می‌کند. در نسخه بزرگ‌سالان<sup>۳</sup> دلیل در هر داستان برای تصمیم‌گیری به جای قهرمان داستان لیست شده که آزمودنی اهمیت هر یک از این دلایل را در مقیاسی از هیچ (یک) تا خیلی زیاد (هفت) علامت‌گذاری می‌کند. این مقیاس پنج گونه استدلال اجتماع‌یار لذت‌جویانه، تأییدمحور، قالبی، نیازمحور و درونی‌شده را می‌سنجد. هم‌چنین، این آزمون دارای زیرمقیاس دروغ/ نامربوطی<sup>۳</sup> هم هست که از طریق آن می‌توان آزمودنی‌هایی را که بی‌دقت یا به دروغ آزمون را کامل کرده‌اند، مشخص کرد.

لازم است نمره هر نوع استدلال به صورت نسبتی (یا درصدی) از آن استدلال به سایر استدلال‌ها نمره‌گذاری شود. البته در محاسبه درصد یا نسبت استدلال‌ها نمره پاسخ‌دهی دروغ/ نامربوط به سایر زیرمقیاس‌ها جمع زده نمی‌شود و هم‌چنین زیرمقیاس‌هایی که تعداد سؤالاتشان نصف بقیه است، در دو ضرب می‌شوند. به علاوه پس از محاسبه نمرات انواع استدلال‌های اجتماع‌یار به صورت بالا، می‌توان با دادن ضریب به نمره انواع استدلال و جمع کردن نمرات با هم می‌توان کلیت رشد استدلال‌های اجتماع‌یار اخلاقی فرد را نیز در قالب عددی واحد مشخص کرد. به این منظور به استدلال اخلاقی

1. Adult Versions of the Prosocial Reasoning Objective Measure (PROM-R)

2. moral dilemma

3. lie/irrelative

اجتماع‌یار لذت‌جویانه و تأییدمحور ضریب یک، به استدلال نیازمحور و قالبی ضریب دو و به استدلال درونی‌شده ضریب سه داده شده است (کارلو، ایزنبرگ و نایت، ۱۹۹۲).  
 بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس توسط کارلو، ایزنبرگ و نایت (۱۹۹۲) از طریق بررسی روایی همگرا و واگرا، بازآزمایی و بررسی هم‌سانی درونی نشان از رضایت‌بخش بودن ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس بر دانشجویان امریکایی داشت. روایی ملاکی نمره کلی این آزمون با مصاحبه‌های سنجش استدلال اجتماع‌یار اخلاقی برابر با ۰/۴۷ بود. ضرایب بازآزمایی و آلفای کرونباخ هر یک از زیرمقیاس‌های این آزمون به ترتیب عبارت‌اند از: لذت‌جویانه ۰/۷۰ و ۰/۷۲، تأییدمحور ۰/۷۰ و ۰/۷۸، قالبی ۰/۷۲ و ۰/۶۷، نیازمحور ۰/۷۹ و ۰/۵۶ و درونی‌شده ۰/۷۹ و ۰/۷۰. البته کارلو، مک‌گینلی، روزچ، و کامینسکی (۲۰۰۸) در بررسی خود بر نوجوانان مکزیکی و امریکایی نشان دادند که الگوی چهار عاملی در تحلیل عامل تأییدی کمی برازنده‌تر از الگوی پنج عاملی است که توسط کارلو و هم‌کاران (۱۹۹۲) مطرح شده است؛ به عبارتی ترکیب استدلال درونی‌شده و قالبی برازنده‌تر است.

این مقیاس را عظیم‌پور، نیسی، شهنی بیلاق، ارشدی و بشلیده (۲۰۱۳) به فارسی ترجمه و بر ۱۸۰ دانشجوی دانشگاه شهید چمران اهواز اعتباریابی کردند. در تحقیق عظیم‌پور و هم‌کاران (۲۰۱۲) برخلاف الگوی کارلو و هم‌کاران (۲۰۰۸) تحلیل عامل تأییدی برازندگی بیش‌تر الگوی پنج عاملی را نشان داد. هم‌چنین، در تحقیق یادشده اعتبار (به روش همسانی درونی) ملاک دروغ/ نامربوط و زیرمقیاس‌های لذت‌جویانه، تأییدمحور، قالبی، نیازمحور و درونی‌شده، به ترتیب عبارت بود از: ۰/۷۹، ۰/۸۲، ۰/۹۲، ۰/۶۶، ۰/۶۴، ۰/۶۶.

**ج. مقیاس مقبول‌نمایی اجتماعی مارلو و کران<sup>۱</sup>:** این مقیاس که توسط کران و مارلو (۱۹۶۰) ساخته شده شامل ۱۳ ماده است که میزان تمایل افراد برای نشان دادن

1. Marlowe-Crowne social desirability scale



چهره‌ای جذاب و غیرواقعی را می‌سنجد و در مقیاس پاسخ‌دهی خیر (یک) و بلی (صفر) گسترش یافته است. مواد ۵، ۷، ۱۲ و ۱۳ به صورت وارونه نمره‌گذاری می‌شوند. این مقیاس توسط بسیاری از تحقیقات اعتباریابی شده است (مثل راینت، ۱۹۹۱؛ اندروز و میر، ۲۰۰۳؛ سئول، ۲۰۰۷)، هم‌چنین اعتباریابی این مقیاس در بسیاری از جوامع به صورت بین فرهنگی نیز توسط ورا دی و هم‌کاران (۲۰۱۰) انجام شده است. ترجمه و اعتباریابی این مقیاس به فارسی توسط نجاریان (۱۹۹۲؛ نقل از نجاریان و سودانی، ۱۳۸۰) و همبستگی آن با ملاک روایی (L) پرسش‌نامه شخصیتی مینه‌سوتا<sup>۱</sup> (MMPI) معنادار بود. عظیم‌پور و هم‌کاران (۲۰۱۲) برای بررسی اعتبار درونی آن از فرمول کدر- ریچاردسون استفاده کردند که مقدار اعتبار درونی آن بر اساس این فرمول برابر با ۰/۵۱ بود.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها پس از استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی (ضرایب کجی و برآمدگی، میانگین و انحراف معیار)، ضریب همبستگی پیرسون<sup>۲</sup> و ضریب همبستگی تفکیکی<sup>۳</sup> استفاده شد.

## یافته‌ها

جدول یک شاخص‌های آمار توصیفی را برای متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد. در اکثر آزمون‌های پارامتریک آمار استنباطی مطلوب این است که توزیع داده‌ها بهنجار باشد. قدر مطلق ضریب کجی بزرگ‌تر از ۳ و قدر مطلق ضریب برآمدگی بزرگ‌تر از ۱۰ تخطی از مفروضه بهنجاری توزیع متغیرها را نشان می‌دهد (بیرن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱؛ به نقل از مروتی، ۱۳۹۰). همان‌طور که در جدول یک مشاهده می‌شود، قدر مطلق ضریب کجی بزرگ‌تر از ۳ و قدر مطلق ضریب برآمدگی بزرگ‌تر از ۱۰ در هیچ‌یک از متغیرهای پژوهش دیده می‌شود.

1. Minnesota Multiphasic Personality Inventory
2. pearsonian correlation coefficient
3. part correlation coefficient
4. Byrne

کجی و برآمدگی توزیع متغیرهای این تحقیق در حد مناسب و بنابراین توزیع متغیرها بهنجار است.

جدول ۱. شاخص‌های آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، انحراف معیار، کجی و برآمدگی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	برآمدگی
استدلال لذت‌جویانه	۰/۱۸	۰/۰۳	-۰/۵۷	۰/۸۷
استدلال تأییدمحور	۰/۱۳	۰/۰۴	۰/۹	۳/۹۹
استدلال نیازمحور	۰/۲۳	۰/۰۲	-۱/۰۳	۳/۴۱
استدلال قالبی	۰/۲۲	۰/۰۳	۰/۳۸	۱/۰۵
استدلال درونی‌شده	۰/۲۴	۰/۰۳	۰/۳۷	-۰/۱۵
نمره کلی استدلال اجتماع‌بار	۱/۹۳	۰/۰۸	-۰/۰۶	۱/۰۲
پاسخ‌دهی دروغ/ نامربوط	۰/۰۶	۰/۰۲	-۰/۰۴	-۰/۶۵
رفتار اجتماع‌بار در معرض دید	۶/۱۶	۲/۱۹	۱/۰۳	۰/۴۳
رفتار اجتماع‌بار مطیعانه	۶/۸۵	۲/۰۳	-۰/۳۶	-۰/۴۷
رفتار اجتماع‌بار بحرانی	۹/۳	۲/۵۵	۰/۰۴	-۰/۴۲
رفتار اجتماع‌بار هیجانی	۱۳/۸	۳/۲۴	-۰/۰۳	-۰/۴۵
رفتار اجتماع‌بار گمنام	۱۸/۰۶	۴/۵۴	-۰/۳۶	-۰/۲۷
رفتار اجتماع‌بار نوع‌دوستانه	۲۰/۵۸	۳/۳۷	-۰/۸۹	۰/۳۳
مقبول‌نمایی اجتماعی	۱/۹۳	۷/۴	-۰/۳۲	۰/۰۴

همان‌طور که گفته شده، رابطه متغیرهایی که به‌طور خودسنجی سنجیده شده‌اند، با مقبول‌نمایی اجتماعی می‌تواند نشانگر این باشد که آزمودنی‌ها به جای ذکر واقعیت شخصیت یا تفکر خود کوشیده‌اند خود را مقبول نشان دهند. در این حالت می‌توان از طریق همبستگی تفکیکی<sup>۱</sup> اثر مقبول‌نمایی (و دیگر ملاک‌های روایی پاسخ‌دهی) را از رابطه تفکیک کرد. جدول شماره دو همبستگی متغیرهای طرح را با مقبول‌نمایی اجتماعی و هم‌چنین با ملاک پاسخ‌دهی دروغ/ نامربوط مقیاس PROM-R نشان می‌دهد.

<sup>۱</sup>. part correlation

## جدول ۲. رابطه متغیرهای طرح با مقبول‌نمایی اجتماعی و مقیاس پاسخ‌دهی دروغ/نامربوط

مقبول‌نمایی	مقیاس پاسخ‌دهی دروغ/نامربوط
للت‌جویانه	۰/۰۱
تأییدم‌محور	۰/۰۹
نیازمحور	۰/۰۱
قالبی	۰/۰۶
دروغی‌شده	۰/۱۲
نمره کلی استدلال	۰/۱۴
در معرض دید	۰/۰۸
مطیابانه	۰/۲۱
بحرانی	۰/۰۵
هیجانی	۰/۰۲
گمنام	۰/۳۷
نوع دوستانه	۰/۳۵

همان‌طور که از جدول دو مشخص است، پاسخ‌دهی دروغ/نامربوط به جز با استدلال نیازمحور ( $P > 0/05$ ) با بقیه متغیرهای پژوهش بی‌ارتباط بود. با این حال با توجه به ارتباط مقبول‌نمایی اجتماعی با چهار متغیر پژوهش حاضر، برای احتیاط این متغیر از روابط همبستگی تفکیک می‌شود. جدول سه، ماتریس همبستگی و روابط بین متغیرهای پژوهش را پس از تفکیک اثر مقبول‌نمایی اجتماعی از طریق ضریب همبستگی تفکیکی نشان می‌دهد.

## جدول ۳. ماتریس همبستگی متغیرهای طرح؛ همبستگی تفکیکی با تفکیک مقبول‌نمایی اجتماعی و مقیاس پاسخ‌دهی دروغ/نامربوط

۱	۱
للت‌جویانه	۱
تأییدم‌محور	
نیازمحور	
قالبی	
دروغی‌شده	
نمره کلی استدلال	
در معرض دید	
مطیابانه	
بحرانی	
هیجانی	
گمنام	
نوع دوستانه	







گمنام دیده شد. رفتار مطیعانه نیز با رفتار هیجانی و گمنام دارای رابطه مثبت بود. هم‌چنین، نوع دوستی هم با رفتار گمنام دارای رابطه‌ای مثبت (با معنی داری مرزی) بود.

### بحث و نتیجه گیری

تحقیق حاضر بر آن بود تا روابط متفاوت انواع استدلال‌های اخلاقی اجتماع‌بار (مراقبت محور) را با انواع رفتارهای اجتماع‌بار بررسی کند تا از یک سو روابط متفاوتی که بین رفتارهای متنوع اخلاقی و استدلال اخلاقی در چند تحقیق قبل صورت گرفته را مجدداً آزمون کند و از سویی دیگر احتمال تأثیرگذاری مقبول‌نمایی اجتماعی را نیز به عنوان متغیر کنترل از این روابط تفکیک کند.

بسیاری از روابط به دست آمده بین استدلال‌ها و رفتارهای اجتماع‌بار با دو تحقیق گذشته (হারدی، ۲۰۰۶؛ و عظیم‌پور و هم‌کاران، ۱۳۹۱) همسان بود. هم‌چنین روابط خود رفتارهای اجتماع‌بار با هم در چند تحقیق گذشته (کارلو و هم‌کاران، ۱۹۹۲ و کارلو و رندال، ۲۰۰۲؛ کالدرون-تن و هم‌کاران، ۲۰۱۱ و عظیم‌پور و هم‌کاران، ۱۳۹۱) و هم‌چنین روابط خود استدلال‌های اجتماع‌بار با هم در تحقیق عظیم‌پور و هم‌کاران (۱۳۹۱) با یافته‌های این پژوهش همسان بود. البته برخی تفاوت‌ها وجود داشت. در جدول چهار تفاوت‌های روابط همبستگی طرح حاضر با تحقیقات گذشته مشخص شده است.

برخی تفاوت‌ها البته نه در جهت (مثبت یا منفی بودن) رابطه که در معنی‌دارنشدن روابط در مقایسه با تحقیقات گذشته است. در تحقیقات همبستگی هرچه حجم نمونه بیشتر باشد، احتمال خطای نوع دوم کم‌تر می‌شود (دلاور، ۱۳۸۹)؛ با توجه به این که در تحقیقات گذشته حجم نمونه بیشتر بوده و در این تحقیق نمونه‌ای به حجم ۱۱۲ مشارکت‌کننده استفاده شده، این معنی‌دارنبودن‌ها در مقایسه با تحقیق یادشده درک‌پذیر است. جالب این‌جاست که در صرف معنی‌داری هیچ ناهم‌سانی با تحقیق هاردی (۲۰۰۷) دیده نمی‌شود؛ چراکه در آن تحقیق نیز از نمونه‌ای کم‌تر از ۱۰۰ نفر استفاده شده بود.

علاوه بر ناهمسانی صرف در معنی‌داری، برخی ناهمسانی‌های اساسی‌تر (هم در جهت رابطه و هم در معنی‌داری) نسبت به چند تحقیق گذشته دیده می‌شود. در تحقیق عظیم‌پور و هم‌کاران (۱۳۹۱) رفتار هیجانی دارای رابطه مثبت با استدلال‌های سطح بالا (نیازمحور و قالبی و نمره کلی استدلال‌ها) و رابطه منفی با استدلال‌های سطح پایین (لذت‌جویانه و تأییدمحور) بود. در تحقیق حاضر رفتار هیجانی دارای روابط منفی با استدلال نیازمحور، قالبی (اما غیرمعنی‌دار) و نمره کلی استدلال اخلاقی (غیرمعنی‌دار) بود و روابط مثبتی را با استدلال لذت‌جویانه و تأییدمحور (هر دو غیرمعنی‌دار) نشان می‌داد. به عبارتی در مقایسه با تحقیق عظیم‌پور و هم‌کاران (۱۳۹۱) روابط، غیرمعنادار و حتی معکوس شده است.

این ناهمسانی را می‌توان به تفکیک اثر مقبول‌نمایی اجتماعی نسبت داد. رفتار اجتماعی‌یار هیجانی رفتاری است که بیش‌تر در شرایط عاطفی و احساسی بروز می‌کند و منطقاً کم‌تر از شناخت و استدلال متأثر است. هرچند، بسیاری از تحقیقات از تأثیر مثبت حالات هیجانی چون هم‌دلی و هم‌دردی بر بروز رفتارهای اجتماعی‌یار حمایت کرده‌اند (پیلیاوین و چارنگ، ۱۹۹۰)؛ اما در بررسی‌های جدیدتر مشخص شده که هیجان‌ات شدید اگر از فیلترهایی تعدیل نشوند و اگر امکان اجتناب از موقعیت کمک‌رسان موجود باشد، می‌توانند باعث کمک‌نکردن و اجتناب از موقعیت کمک‌رسان شوند (ایزنبرگ و موریس، ۲۰۰۱). به عبارت دیگر، رفتار اجتماعی‌یار وابسته به هیجان‌ات ماهیتاً می‌تواند از رفتار اجتماعی‌یار وابسته به شناخت و استدلال متفاوت باشد. در نتیجه، نبود ارتباط رفتار اجتماعی‌یار هیجانی در تحقیق حاضر با استدلال‌های سطح بالاتر و ارتباط آن با استدلال‌های سطح پایین‌تر قابل درک به نظر می‌رسد. به نظر می‌رسد دلیل روابط متفاوت آن با رفتار هیجانی در تحقیق عظیم‌پور و هم‌کاران (۱۳۹۱) تفکیک‌نشدن مقبول‌نمایی اجتماعی و پاسخ‌دهی دروغ/ نامربوط و تأثیر احتمالی مقبول‌نمایی اجتماعی بوده است. بر همین اساس، می‌توان رابطه منفی و معنی‌دار رفتار اجتماعی‌یار هیجانی و نوع‌دوستی را در تحقیق





صرف نظر از این ناهمسانی‌های جزئی، تحقیق حاضر گونه‌گونی رفتارهای اجتماع‌بار و روابط متفاوت این رفتارها را با استدلال‌های اجتماع‌بار اخلاقی نشان داد. از یک سو، بالاترین و اخلاقی‌ترین رفتار اجتماع‌بار مثل نوع دوستی (کمک‌رسانی بدون چشم‌داشت) قرار دارد که بیش‌ترین رابطه مثبت را با نمره کلی استدلال اجتماع‌بار و استدلال‌های به لحاظ اخلاقی سطح بالا، نشان می‌دهد و از سوی دیگر رفتار اجتماع‌باری چون رفتار در معرض دید که بیش‌ترین رابطه منفی را با نمره کلی استدلال اجتماع‌بار و استدلال‌های سطح بالا نشان می‌دهد. در این بین، برخی روابط متفاوت با برخی استدلال‌های خاص نیز قابل توجه است؛ مثلاً رفتار هیجانی و رفتار مطیعانه (به مثابه کمک‌رسانی فوری و بی تأمل) با استدلال نیازمحور (استدلال بر مبنای بررسی نیاز واقع طرف مقابل) رابطه‌ای منفی و معنی‌دار را نشان دادند که با توجه به محتوای متضاد این دو متغیر این رابطه قابل درک است.

تحقیق حاضر نشان داد که با حذف اثر مقبول‌نمایی اجتماعی، توجه به انواع گوناگون رفتارهای اخلاقی و اجتماع‌بار، روابطی متفاوت با استدلال اجتماع‌بار اخلاقی مشخص می‌شود. این تحقیق نشان می‌دهد که هر کمک‌رسانی ضرورتاً مبتنی بر استدلال اخلاقی نیست و برخی انواع رفتار اخلاقی با انگیزه‌هایی دیگر صورت می‌گیرند. بر این اساس، ارتباط‌های متفاوت رفتار اخلاقی و استدلال اخلاقی در نتایج تحقیقات گذشته قابل درک است؛ البته باید توجه داشت که تحقیق حاضر طرحی همبستگی بوده و درباره آن نمی‌توان با قطعیت از علیت سخن گفت (رجوع شود به دلاور، ۱۳۸۹). برخی نظریه‌پردازان برآنند که استدلال‌های اخلاقی در واقع بعد از رفتار اخلاقی و در مقام توجیه رفتار اخلاقی بروز می‌کند (باندورا، ۱۹۹۱؛ هیت، ۲۰۰۱). هر چند هیت (۲۰۰۱) معتقد است در موارد اندک (مثلاً نزد فلاسفه) استدلال اخلاقی می‌تواند علت رفتار اخلاقی شود. در تحقیق عظیم‌پور و هم‌کاران (۱۹۹۱) نیز علی‌رغم همبستگی رفتارهای اجتماع‌بار و استدلال‌های اجتماع‌بار، با استفاده از الگویابی معادلات ساختاری مسیر علی استدلال اجتماع‌بار به رفتار اجتماع‌بار غیرمعنی‌دار شده است و مشخص شد که رفتار اجتماع‌بار و

استدلال اجتماع‌یار هر دو معلول علتی واحد (هویت اخلاقی) هستند. البته الگویابی معادلات ساختاری هم خود مبتنی بر همبستگی است و در آن روش هم نمی‌توان با قطعیت از علیت سخن گفت (هومن، ۱۳۸۷).

با توجه به محدودیت یادشده در طرح‌های همبستگی پیشنهاد می‌شود برای بررسی رابطه علی از تحقیقی آزمایشی و مداخله‌ای استفاده شود. روش‌های مداخله‌ای بسیاری برای ارتقای استدلال اخلاقی وجود دارد (کریمی، ۱۳۸۵). پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعد، پس از انجام این مداخلات به جای سنجیدن خود استدلال اخلاقی به عنوان متغیر وابسته، رفتار اخلاقی به عنوان متغیر وابسته سنجیده شود و هم‌چنین، اثر مقبول‌نمایی اجتماعی هم به عنوان متغیر هم‌پراش<sup>۱</sup> کنترل شود. هم‌چنین، پیشنهاد می‌شود تا تحقیق حاضر با استدلال‌های عدالت‌محور کلبرگ نیز صورت پذیرد تا روابط متفاوت استدلال‌های عدالت‌محور نیز با رفتارهای مختلف اخلاقی بررسی شود.

## منابع

- دلاور، ع. (۱۳۸۹). احتمالات و آمار کاربردی در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: انتشارات رشد.
- عظیم‌پور، ع. و نیسی، ع. و ارشدی، ن. و شهنی بیلاق، م. و بشلیده، ک. (۱۳۹۱). طراحی و آزمون الگوی از برخی پیشایندهای مهم رفتار اجتماع‌یار دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. مجله دستاوردهای روان‌شناختی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۴ (۲)، ۱۵-۴۴.
- کریمی، ع. (۱۳۸۵). مراحل شکل‌گیری اخلاق در کودک، با تاکید بر رویکردهای تحولی. تهران: انتشارات عابد.
- کرین، و. (۲۰۰۷). نظریه‌های رشد: مفاهیم و کاربردها. ترجمه غ. خوی نژاد و ع. رجایی (۱۳۸۸). تهران: انتشارات رشد.
- مروتی، ذ. (۱۳۹۰). رابطه علی محیط یادگیری سازنده گرای ادراک شده و عملکرد ریاضی با میانجی‌گری جهت‌گیری درونی هدف، ارزش تکلیف، نگرش نسبت به ریاضی و خود کارآمدی

ریاضی در دانش آموزان پسر سال سوم دبیرستانی شهر اهواز. پایان نامه منتشر نشده دکترای روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز. نجاریان، ب. و سودانی، م (۱۳۸۰). ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش تحریف واقعیت. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز. دوره سوم، سال هشتم، شماره‌های ۱ و ۲، ۹۹-۱۱۴.

هومن، ح. (۱۳۸۷). مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل. تهران: انتشارات سمت.

- Andrews, P., & Meyer, R. G. (2003). Marlowe-Crowne social desirability scale and short form C: forensic norm. *Journal of clinical psychology*, 59(4), 483-492.
- Arnold, M. L. (2000). Stage, Sequence, and Sequels: Changing Conceptions of Morality, Post-Kohlberg. *Educational Psychology Review*, 12, (4), 365-383.
- Bandura, A. (1991). Social cognitive theory of moral thought and action. In W. M. Kurtines & J. L. Gewirtz (Eds.), *Handbook of moral behavior and development* (Vol. 1, pp. 45-103). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Azimpour A., Neasi A., Shehni-Yailagh M., and Arshadi N. (2012). Validation of "Prosocial Tendencies Measure" in Iranian University Students. *J. Life Sci. Biomed.* 2(2): 34-42.
- Azimpour A., Neasi A. Shehni-Yailagh M., Arshadi N. and Beshlide K. (2013). Assessment prosocial moral reasoning on Iranian: evaluation the measurement models and validation the measure of Prosocial Moral Reasoning on Iranian university students. *J. Life Sci. Biomed.* 3(1): 10-15.
- Calderón-Tena, C. O., Knight, G. P., & Carlo, G., (2011). The socialization of prosocial behavioral tendencies among Mexican American adolescents: The role of familism values. *Cultural diversity and ethnic minority psychology*, 17(1) 98-106.
- Carlo, G., Eizenberg N., Knight, G. P. (1992). An objective measure of adolescent's prosocial moral reasoning. *Journal of research on adolescence*, 2(4), 333-349.
- Carlo, G., Hausmann, A., Christiansen, S., & Randall, B. A., (2003). Sociocognitive and Behavioral Correlates of a Measure of Prosocial Tendencies for Adolescents. *Journal of Early Adolescence*, 23(1), 107-134.
- Carlo, G., McGinley, M., Roesch, S. C., Kaminski J. W. (2008). Measurement invariance in a measure of prosocial moral reasoning to use with adolescents from the USA and Brazil. *Journal of Moral*





- Education, 37(4), 485–502.
- Carlo, G., Mestre, M. V., Samper, P., Tur, A., Armenta, B. E. (2010). Feelings or cognitions? Moral cognitions and emotions as longitudinal predictors of prosocial and aggressive behaviors. *Personality and Individual Differences*, 48, 872–877.
- Carlo, G. Randall, B. A. (2002). The Development of a Measure of Prosocial Behaviors for Late Adolescents. *Journal of Youth and Adolescence*, 31(1), 31-44.
- Crowne, D. P., & Marlowe. D. (1960). A new scale of social desirability independent of psychopathology. *Journal of Consulting Psychology*, 24, 349-354.
- De Caroli, M. E., Falanga, R. & Sagone, E. (2014). Prosocial Behavior and Moral Reasoning in Italian Adolescents and Young Adults. *Research in Psychology and Behavioral Science*, 2. (2), 48-53.
- Eisenberg, N., Carlo, G., Murphy, B., Van Court., P. (1995). Prosocial Development in Late Adolescence: A Longitudinal Study. *Child Development*, 66, 1179- 1197.
- Eisenberg, N., Guthrie, I. K. Murphy, B. C., Shepard S.A. (2005). Age Changes in Prosocial Responding and Moral Reasoning in Adolescence and Early Adulthood. *Journal of research on adolescence*, 15(3), 235–260.
- Eisenberg, N., Guthrie, I. K., Murphy, B. C., Shepard, S. A., Cumberland, A., & Carlo, G. (1999). Consistency and development of prosocial dispositions: A longitudinal study. *Child development*, 70 (6), 1360-1372.
- Eisenberg, N., Morris, A. S. (2001). The origins and social significance of empathy-related responding. a review of empathy and moral development: implications for caring and justice by M. L. Hoffman. *Social Justice Research*, 14, (1), 91-120.
- Gibbs, J. C. Basinger, K. S. Grime, R. L. Snarey, J. R. (2007). Moral judgment development across cultures: Revisiting Kohlberg's universality claims. *Developmental Review*, 27, 443–500.
- Haidt J (2001) The emotional dog and its rational tail: A social intuitionist approach to moral judgment. *Psychological Review*, 108(4):814–34.
- Hardy, S. A., (2006). Identity, Reasoning, and Emotion: An Empirical Comparison of Three Sources of Moral Motivation. *Motiv Emot*, 30, 207–215.
- Hardy, S., A., Carlo, G., (2005). Identity as a source of moral motivation. *Human Development*, 48, 232–256.

- Huebner, B., Dwyer, S., Hauser, M., (2008). The role of emotion in moral Psychology. *Trends in Cognitive Sciences*, 13(1), 1-6.
- Leffel, G., Michael, F., Malerie, E.S., Michael, R. (2008). who cares? Generativity and the the moral emotions, part 3, a social intuition “ecology of virtue”. *Journal of Psychology and Theology*. 36,(3), 202-221.
- Maclean, A. M., Walker., L. J., Matsuba, M. K (2004). Transcendence and the moral self: Identity Integration, religion, and moral life. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 43,(3) 429-437.
- Nunner-Winkler, G.(2007). Development of moral motivation from childhood to early adulthood. *Journal of Moral Education*. 36,( 4), 399-414.
- Piliavin, J., A., & Charng, H-W., (1990). Altruism: a review of recent theory and research. *Annual review of sociology*, 16, 27-65.
- Robinette, R. L., (1991). The relationship between the Marlowe-Crowne form C and the validity scales of the MMPI. *Journal of clinical psychology*, 47(3), 396-399.
- Saelen, C. Markovits, H. (2008). Adolescents’ emotion attributions and expectations of behavior in situations involving moral conflict. *Journal of Experimental Child Psychology*. 100, 53-76.
- Seol, H. (2007). A psychometric investigation of Marlowe-Crowne social desirability scale using rash measurement. *American counseling association. Measurement and evaluation in counseling and development*, 40, 155-168.
- Sunstein, C. R., (2005). Moral heuristics. *behavioral and brain sciences*, 28, 531-573.
- Verardi, S., Dahourou, D., Ah-Kion, G., Bhowon, U., Tseung, C. N., Amoussou-Yeye, D., Adjahouisso, M., Bouatta, C., Cissé, D.D., Mbodji, M., Barry. O., Minga Minga, D., Ondongo, F., Tsokini, D., Rigozzi, C., Meyer de Stadelhofen, F., & Rossier, J. (2010). Psychometric Properties of the Marlowe-Crowne Social Desirability Scale in Eight African Countries and Switzerland. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 41(1), 19-34.